

# جنگ علیہ کودکان کی

انحرافات جنسی، معصومیت کودکان راترور می کند.

نویسنده: دکتر یوسف صقر  
مترجم: خداداد مطاعی پور



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه‌ی مترجم:

یکی از بتهایی که در این دوران ساخته شده است و با دروغ‌های شاخدار خود، بیشتر مردم را فریب داده است دروغ بزرگی به نام سازمان ملل است که ادعا می‌شود برای سعادت بشر بنیان نهاده شده تا پس از جنگ‌های خونین جهانی اول و دوم، ضامن آرامش و صلح و آشتی باشد و انسان‌ها را از جنگ و بی‌عدالتی و ظلم دور کند!

اما در دو دهه‌ی اخیر و بویژه در دو سال اخیر برای اکثریت مردم دنیا روشن شد که سازمان ملل، مرکزی فریبکارانه برای توجیه جنگ‌های ابرقدرت‌های حاکم بر آن است و قوانین آبی آن هم هیچ‌گونه کارکردی در واقعیت زندگی بشر ندارد و درست همانند خدای خرمایی عرب‌های پیش از اسلام است؛ خدایی که آن را از خرما ساختند اما به محض اینکه احساس بی‌نیای بدان کردند آن را خوردند!

ماسک از چهره‌ی ترسناک دنیای غرب و مراکز و مکانیسم‌های آن برای همگان برافتاده است و مردم دارند بر علیه این ادعاهای دروغین می‌شورند و نافرمانی می‌کنند چون می‌دانند نه تنها سبب سعادت بشر نبوده‌اند بلکه دارند انسانها را به سوی حیوانیت سوق می‌دهند و انسانیت را از او می‌ستانند.





نویسنده در این مقاله، بندها و ماده‌هایی از قوانین بین‌المللی همچون اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی ویژه‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را ارائه کرده است که کشورهای کنونی بویژه ابرقدرت‌ها نه تنها خود را متعهد به آن می‌دانند بلکه به بهانه‌ی نقض همین

قوانین به دیگر کشورها حمله می‌کنند و پس از اشغال کشور به بهانه‌ی تقض حقوق بشر، خودشان به نقض گسترده‌ی حقوق بشر می‌پردازند!

آنها به این هم بسنده نمی‌کنند و چند سالی است دارند در کشورهای خودشان هم حقوق بشر و قوانین آن را با قوانین فطرت‌ستیزانه‌ی خود زیر پا می‌گذارند و تصمیم گرفته‌اند که انسانیت را به قربانگاه جهل و زور ببرند و جهان را به جنگلی تمام‌عیار تبدیل کنند، از همین روی است که نقشه‌های شوم خود را از تغییر فطرت و هویت کودکان آغاز کرده‌اند و همین امر می‌باید هشداری برای جوامع انسانی و خانواده‌ها باشد تا با هر وسیله‌ی ممکن از فساد فکری و اخلاقی کودکان‌شان جلوگیری کنند و اجازه ندهند دست شیاطین به آنها برسد.

خداداد مطاعی پور .. سرپل ذهاب



 [islamway1434](#)  
 [no\\_atheism](#)  
 [no\\_atheism](#)  
 [aparat.com/asteira](#)

در برهه‌ی اخیر، هجوم شدیدی در سطح جهان برای تحمیل ارزش‌هایی که مخالف با فطرت و ارزش‌های بشری هستند در حال روی دادن است و می‌خواهد انحرافات جنسی را با زور بر مردم جهان تحمیل کند و آن را در میان جامعه‌ی جهانی انتشار دهد.

این حمله‌ی شدید، کودکان را به طور ویژه هدف می‌گیرد چنانکه برخی کشورهای اروپایی و آمریکا و کانادا دارند قوانینی را تصویب می‌کنند که به کودک در سن چهار سالگی اجازه می‌دهد جنسیت خود را تغییر دهد و پدر و مادرها هم نمی‌توانند جلوی او را بگیرند!

این قانون با بند ۳ از ماده‌ی ۲۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مخالف است که آشکارا بر این تصریح می‌کند که: «پدر و مادر برای تعیین نوع آموزش و تربیت فرزند خود، حق اولویت دارند»، بنابراین اگر پدر، آموزش مسائل مربوط به انحرافات جنسی به پسرش را نپذیرفت باید تصمیم وی به موجب اعلامیه‌ی حقوق بشر بدون مشکل انجام پذیرد و کسی هم حق اعتراض به او ندارد.

همچنین با بند ۲ از ماده‌ی ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تعارض دارد که بر این تصریح می‌کند «هیچ کسی نباید مورد اکراه و اجبار قرار بگیرد طوری که به آزادی او در داشتن یا قبول یک دین یا باورها لطمه وارد آورد»، پس اگر دین کودک، انحرافات جنسی را حرام می‌شمارد باید به او احترام گذاشت و نباید او را مجبور به مخالفت با آموزه‌های دینش کرد.

بند ۴ از همان ماده نیز چیزی را بیان داشته است که با این رویکرد جدید (قانون فطرت‌ستیز) مخالفت دارد چنانکه بر این تصریح کرده است که «دولت‌های عضو این میثاق متعهد هستند که آزادی پدر و مادرها و بر حسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش دینی و اخلاقی آنان مطابق با باورهای خودشان محترم بشمارند»،

پس کودکان چگونه مجبور شوند چیزی را یاد بگیرند که با دین، آداب و خلق و خوی آنها مخالف باشد؟!

بند ۳ از ماده‌ی ۱۳ میثاق بین‌المللی ویژه‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر این تصریح می‌کند که «کشورهای عضو این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین یا سرپرست قانونی کودکان را بر حسب مورد در انتخاب مدرسه برای کودکانش بجز مدارس دولتی محترم بشمارند مشروط بر اینکه مدارس یادشده با حداقل موازین آموزش و پرورش که ممکن است دولت، تجویز یا تصویب کرده باشد مطابقت کند و آموزش و پرورش دینی و اخلاقی کودکان مطابق با اعتقادات شخصی والدین یا سرپرستان آنان تأمین گردد». هرچند که این ماده، قیدی آبکی گذاشته است اما نباید با اعتقادات و اخلاق پدر و مادرها و فرزندان مخالفت کند.

همچنین ماده‌ی ۵ از پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک بر این تصریح می‌کند که «کشورهای عضو، مسئولیت‌ها و حقوق و تکالیف پدر و مادرها یا بر حسب مورد اعضای فامیل و یا بستگان کودک مطابق با عرف مرسوم هر منطقه را محترم خواهند شمرد».

در بند ۲ از ماده‌ی ۱۴ پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک بر این تأکید می‌کند که «کشورهای عضو، حقوق و تکالیف والدین و بر حسب مورد سرپرستان قانونی را در جهت‌دهی کودک برای اعمال حقوق خود به روشی هماهنگ و سازگار با توانایی‌های در حال رشد او محترم خواهند شمرد».

بند ۳ از ماده‌ی ۲۲ پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک صراحتاً از قانون اسلامی نام برده است هنگامی که از مراقبتی سخن گفته که کودک محروم از محیط خانواده‌اش بدان نیاز دارد

چنانکه بر این تصریح کرده است که «چنین مراقبتی ممکن است شامل نگهداری توسط خانواده‌ی جایگزین و کفالت موجود در قانون اسلامی باشد».

بند ج از ماده‌ی ۲۹ پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک بر این تاکید کرده است که «افزایش احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های خاص کودک و ارزش‌های ملی کشوری که کودک در آن زندگی می‌کند و موطن اصلی وی و به تمدن‌های متفاوت با تمدنی که او بدان تعلق دارد».

همچنین ماده‌ی ۳۴ پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک بر این تصریح می‌کند که «کشورهای عضو متعهد می‌شوند از کودک در برابر تمام اشکال بهره‌کشی و سوءاستفاده‌ی جنسی حمایت کنند. بدین منظور متعهد می‌شوند به ویژه، همه‌ی اقدامات مقتضی ملی، دوجانبه و چندجانبه را به عمل بیاورند تا از موارد زیر جلوگیری شود:

الف) تشویق یا ترغیب یا وادار کردن کودک به انجام هر گونه فعالیت جنسی و سوءاستفاده‌ی جنسی غیرقانونی.

ب) استفاده‌ی استثمارگرانه از کودکان در فحشا یا دیگر کارهای جنسی غیرقانونی.

پ) استفاده‌ی استثمارگرانه از کودکان در نمایش‌ها یا مطالب هرزه‌نگاری (پرونوگرافیک).

شایان یادآوری است که یک پروتکل اختیاری برای پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک در مورد خرید و فروش کودکان و سوءاستفاده و استثمار آنان در فحشا و مسائل جنسی موجود است.

تمام موادی که در پیمان‌نامه‌های سازمان ملل متحد بیان شده است به شکل صریح یا ضمنی بر ممنوعیت انحرافات جنسی بویژه برای کودکان تاکید می‌کند اما در عمل،

قوانینی در برخی کشورهای برای نابودی معصومیت کودکان تصویب می‌شود و آنان را مجبور می‌کند جنسیت خود را تغییر دهند که از راه تزریق هورمون‌هایی انجام می‌پذیرد که برای سلامتی نیز زیانبر است و آن را به خطر می‌اندازد. یعنی از طرفی، عمل تغییر دستگاه تناسلی را انجام می‌دهند و از طرف دیگر، ختنه‌ی کودکان (اعم از پسرچه و دخترچه) را محکوم می‌کنند!!

کودکان در کشورهاشان قبل از ۱۸ سالگی از نوشیدن الکل، ورود به کاباره‌ها و تماشای فیلم‌های پورن (فحشا) جلوگیری می‌شوند همان‌طور که جلوی آنان را از انجام معامله‌های مالی مستقل می‌گیرند و نیز آنها را از دود و دم و نوشیدنی‌های انرژی‌زا محروم می‌کنند، سپس به آنان اجازه می‌دهند هورمون‌های نابودگری به بدن‌شان برای تغییر جنسیت خود تزریق کنند بدون اینکه به منفعت و معصومیت کودک توجهی داشته باشند که پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک بر لزوم آن تصریح می‌کند و بدون اینکه به تمام متن‌های قانونی بین‌المللی‌ای که مربوط به اهمیت احترام گذاشتن به روش پدر و مادرها در تربیت و آموزش فرزندان‌شان توجهی شود و بدون اینکه به دین والدین و کودک و فرهنگ‌شان که در بندها و ماده‌های یادشده خاطرنشان شده است توجه و احترامی گذاشته شود و این هم جنایتی بی‌شرمانه قلمداد می‌شود.

این همان تناقض آشکار و ننگین میان قانون‌گذاری‌های غربی است و فرافکنی علنی از ارزش‌های تمام ادیان آسمانی و دیانت‌های غیرآسمانی و فرهنگ‌ها و قوانین ملت‌ها بشمار می‌رود.

بنابراین چنین کاری، یک جنگ تمام‌عیار بر ضد فضیلت، دین، فطرت و فرهنگ است و ترور کودکی کودکان است که بخاطر تسلط عده‌ای اندک بر مراکز قدرت جهان انجام می‌شود که به هیچ یک از ارزش‌ها و مبانی باور ندارند و پایبند نیستند و جنایت‌شان را

زیر پوشش برخی مواد قانونی آبکی به پیش می‌برند و این تناقض آشکار را با قوانینی نادیده می‌گیرند که پیمان‌نامه‌های سازمان ملل متحد که به حقوق بشر و امور کودکان اهمیت می‌دهند بر آن تصریح کرده‌اند!